

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 3, Spring 2021, 69-92  
Doi: 10.30465/crtls.2021.31590.1892

## **Application of the Meta-Theoretical Approach in the Review of Islamic Management Books**

**(Case study: *Islamic Management Book*, Author: Seyed Ali Akbar Afjehee)**

**Sadegh Hassani Moghaddam\***

**Rohollah Tavallae\*\* , Gholam Reza Godarzi\*\*\* , Meysam Babae\*\*\*\***

### **Abstract**

In recent years, for various reasons, including the introduction of management in the West as an independent science and also due to the social needs of Islamic societies to use Islamic management in the management of society and organizations, some Islamic scholars have tried to write books on Islamic management. Authors try to write books which consider the presuppositions of various theories and in this regard, one of the valuable books in this field is the book "*Islamic Management*" which is our concern in this article. The present book focuses on different types of views on Islamic management as well as different trans-theoretical views on Islamic management. This book also deals with formal, theoretical, and content critique through the application of meta-theoretical technique and the method of content analysis of the book. Finally, it is suggested that technical and literary editing of the book are needed, more attention should be paid to the

---

\* PhD Candidate in Systems Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author), [adegh140@chmail.ir](mailto:adegh140@chmail.ir)

\*\* Associate Professor, Imam Hussein University, PhD in Industrial Management (Production and Operation), Tehran, Iran, [tavallae.r@gmail.com](mailto:tavallae.r@gmail.com)

\*\*\* Full Professor at Imam Sadegh (AS) University, PhD in Industrial Management (Operation research), Tehran, Iran, [rgodarzi@isu.ac.ir](mailto:rgodarzi@isu.ac.ir)

\*\*\*\* PhD in Industrial Management (System Orientation), Lecturer at Noor Hedayat Shahrekord University, [mey3m.babae@gmail.com](mailto:mey3m.babae@gmail.com)

Date received: 2020-11-30, Date of acceptance: 2021-04-25



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۷۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۰

richness of the book content and the issue of task orientation would be discussed in the chapters related to planning, supervision, and control.

**Keywords:** Islamic Management, Metatheory, Book Criticism, Islamic Management Books.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۰، ۷۱-۹۲

## کاربست رویکرد فراتئوری در نقد و بررسی کتب مدیریت اسلامی

(مورد مطالعه: کتاب مدیریت اسلامی، تألیف سیدعلی اکبر افجه‌ای)

صادق حسنی مقدم\*

روح‌الله تولایی\*\*، غلامرضا گودرزی\*\*\*، میثم بابایی فارسانی\*\*\*\*

### چکیده

در سال‌های اخیر به دلایل مختلف، از جمله مطرح شدن مدیریت در غرب به عنوان یک دانش مستقل و ضرورت‌های اجتماعی جوامع اسلامی برای بهره‌گیری از مدیریت اسلامی در اداره جامعه و سازمان‌ها، برخی از دانشمندان اسلامی کوشیده‌اند تا کتاب‌هایی را با محتوای مدیریت اسلامی با در نظر گرفتن پیش فرض‌های نظریه‌ای گوناگون تألیف کنند. یکی از کتاب‌های ارزشمند در این زمینه مدیریت اسلامی نوشته افجه‌ای است. در این مقاله، ضمن بررسی اجمالی کتاب حاضر و با بیان نوع نگاه‌ها به مدیریت اسلامی و هم‌چنین نگاه‌های فرانظریه‌ای متفاوت به مدیریت اسلامی، به نقد شکلی، نظری، و محتوایی از طریق کاربرد تکنیک فراتئوری و استفاده از روش تحلیل محتوای اثر به این کتاب پرداخته شده و در پایان پیش‌نهاد شده که ضمن ویرایش فنی و ادبی کتاب، به غنای

---

\* دانشجوی دکتری مدیریت سیستم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
sadegh140@chmail.ir

\*\* دانشیار دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دکتری مدیریت صنعتی  
(گرایش تولید و عملیات)، تهران، ایران، tavallae.r@gmail.com

\*\*\* استاد دانشگاه امام صادق (ع)، دکتری مدیریت صنعتی (گرایش تحقیق در عملیات)، تهران، ایران،  
rgodarzi@isu.ac.ir

\*\*\*\* دکترای مدیریت صنعتی (گرایش سیستم‌ها)، مدرس دانشگاه غیرانتفاعی نور هدایت شهرکرد  
mey3m.babae@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

محتوایی آن توجه بیش‌تر شود و موضوع تکلیف‌گرایی در فصول مربوط به برنامه‌ریزی و نظارت و کنترل مورد بحث قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت اسلامی، فراتئوری، نقد کتاب، کتب مدیریت اسلامی.

## ۱. مقدمه

روند روبه‌رشد آثار و کتب منتشرشده مدیریت اسلامی در کشور از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی و هم‌چنین در دوران دفاع مقدس امری محسوس بوده است و در این دوران گذار، نویسندگان این حیطه، ضمن تولید ادبیات نظری لازم برای ترویج مدیریت اسلامی، همواره در حال انتقال مفاهیم به عرصه‌های به‌روزتر و متناسب با نیاز جامعه‌اند (عابدی جعفری و دیگران ۱۳۹۸: ۶۹). یکی از نویسندگان پیش‌گام در این عرصه علی‌اکبر افجه‌ای است که هسته اولیه کتاب مدیریت اسلامی برای اولین بار پیش از انقلاب و در دوران دانشجویی وی با تشویق و ترغیب شهید بهشتی (ره) منعقد شد و علاقه او به مباحث مدیریت اسلامی باعث شد که رساله‌اش را در دوره دکتری در زمینه مدیریت اسلامی بنویسد (به‌نقل از خبرگزاری مهر ۱۳۸۲/۰۹/۱۹).

کتاب مدیریت اسلامی افجه‌ای، با توجه به قدمت و پیش‌گامی آن در میان کتب مدیریت اسلامی دانشگاهی، می‌تواند نمونه و سوره‌ای ارزش‌مند برای نقد تلقی شود، چراکه نقد اثر یعنی ارزش‌مند بودن و در معرض دید بودن کتاب و نویسنده اثر، و ناقد اگر با انصاف مطالب را بررسی کند و عمقی‌نگر باشد و نقاط ضعف و قوت را بگوید، بالاترین و ارزش‌مندترین کمک را به نویسنده انجام داده است. ضمن این‌که بررسی و نقد کتاب مورد اشاره در قالب یک روش‌شناسی علمی و معتبر و هم‌چنین نظر به این‌که کتاب در حال حاضر از منابع اصلی درس مدیریت اسلامی در دانشگاه‌هاست ضرورت دوجندانی دارد. تاکنون مقالات نقد متنوعی در کشور در زمینه مدیریت اسلامی و آثار مربوطه به‌رشته تحریر درآمده‌اند، ولی پژوهش‌هایی که به‌نوعی با نگاه فراتئوریک به بررسی این‌گونه آثار پرداخته باشند، یافت نشده و از این‌رو این نقد جنبه نوآوری مطالعه را روشن می‌کند.

کمبود پژوهش‌های فراتئوریک در این عرصه مانعی برای آسیب‌شناسی و شناخت درست و صحیح مبانی اندیشه‌ای نویسندگان این حوزه علمی است، چراکه آثار و مکتوبات مدیریت اسلامی براساس مبانی فکری (پارادایم) نویسندگان آن شکل گرفته (مهدوی‌راد و صادقی ۱۳۹۳: ۲۳۶) و این پارادایم‌ها چهارچوب پژوهشی و نوع نگاه آنان را مشخص

کاربست رویکرد فراتئوری در نقد و بررسی کتب مدیریت اسلامی ... (صادق حسینی مقدم و دیگران) ۷۳

می‌کند (دانایی فرد و دیگران ۱۳۹۰: ۳۳). بنابراین، با دو دیدگاه کلی، یکی از لحاظ مبانی و مبادی اولیه فلسفی و اندیشه‌ای، که شامل مبانی روش‌شناختی معرفتی، هستی‌شناسی، و انسان‌شناسی است (آقایپروز ۱۳۹۶: ۱۵۲)، و دیگری از لحاظ ماهیت و محتوا (نگاه الهی و توحیدی، رشد و تربیت بشری، مکتبی و ارزشی، فنی، و درنهایت نگاه ترکیبی) می‌توان آثار را موردنقد و بررسی قرار داد (مقیم ۱۳۹۶؛ اعظمی ۱۳۹۲).

طبق مطالب بیان‌شده، سؤال اصلی این مطالعه آن است که کتاب مورد مطالعه از نظر پشتوانه و مبانی نظری چه مسیری را پیموده و هم‌چنین به‌لحاظ ماهیت و محتوا چه نوع نگاهی در آن غالب است؟

برای پاسخ به سؤالات مطرح، نویسندگان این نوشتار در نظر دارند تا کتاب یادشده را در حیطه نقد عالمانه، از بُعد شکلی، نظری، و محتوایی با استفاده از روش فراتئوری، محتوای متن را موردنقد و بررسی قرار دهند و در ارتقای این اثر مهم سهم باشند.

## ۲. معرفی نویسنده و کتاب

سیدعلی اکبر افجه‌ای در سال ۱۳۲۷ در خانواده‌ای مذهبی در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره کارشناسی اقتصادی در بیمه‌های بازرگانی از مدرسه عالی بیمه ایران، کارشناسی ارشد و دکترای مدیریت بازرگانی را در کشور آمریکا به پایان برد و در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. اثر مورد مطالعه وی در بسیاری از دانشگاه‌های کشور از کتاب‌های درسی دانشکده‌های مدیریت است و طبق گفته نویسنده در پیش‌گفتار کتاب، مطالب کتاب مدنظر به صورت سلسله مقالاتی درباره مدیریت اسلامی است که از سال ۱۳۵۸ در روزنامه کیهان به چاپ رسیده است. بنابراین، چاپ اول کتاب در شهریور ۱۳۶۰ به صورت جزوه درسی در مرکز نشر دانشگاهی و به صورت کتاب در شهریور ۱۳۶۴ توسط انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی به چاپ رسید که تا سال ۱۳۸۸ مرحله چاپ هشتم خود را طی کرده است.

کتاب مورد مطالعه شامل ۲۷ فصل است و به صورت پنج بخش کلی (مبانی مدیریت، مبانی مدیریت منابع انسانی، مبانی مدیریت تولید، رهبری، و درنهایت نتیجه‌گیری) در ۲۲۸ صفحه با متن فارسی، به علاوه شصت صفحه چکیده تمامی بخش‌های کتاب با متن لاتین در سمت چپ کتاب، تنظیم شده است. ضمن این که اساس این کتاب تفسیر آیه ۵ سوره نساء به تفسیر استاد ضیاء‌آبادی است.

### ۳. مروری بر محتوای کتاب

این کتاب به گونه‌ای تدوین شده است که در بخش اول، که مبانی مدیریت را مورد بحث قرار می‌دهد، به تفاوت‌های مکتب و علم می‌پردازد و مدیریت اسلامی را مقوله‌ای مکتبی مبتنی بر وحی و دین مبین اسلام می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند که سیر مطالعاتی مدنظر بحث مکتبی درباره مدیریت اسلامی و سیری اکتشافی است و باید از «روبنا» به «زیربنا» باشد. از نگاه نویسنده، رهبری از اصول تفکیک‌ناپذیر مدیریت اسلامی است، به طوری که مدیر باید از صفات و ویژگی‌های معنوی برخوردار باشد تا بتواند جزء مبانی مدیریت اسلامی قرار گیرد. بنابراین، مدیر در جامعه اسلامی بایستی برخوردار از بالاترین میزان صفات رهبری یعنی صفات «متقین» و «مؤمنین» در جمع سازمان تحت نظارت و مدیریت خود باشد تا راه‌گشای ایجاد جامعه اسلامی شود.

در بخش دوم کتاب، یعنی مبانی مدیریت منابع انسانی، به جایگاه و اهمیت انسان در توسعه اقتصادی اشاره و ذکر کرده است که از نظر اسلام، انسان وجودی مقدس است که تمام ابزار و وسایل تکنیکی و پدیده‌های طبیعی در کرات در خدمت او قرار داده شده است تا بتواند عنوان اشرف مخلوقات را معنایی حقیقی بخشد. برطبق این نوع نگاه، مدیریت از دیدگاه اسلامی هنر هماهنگی روابط انسانی، فراهم‌آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها، و به کارگرفتن درست و مشروع نیروهای انسانی و مادی سازمان جهت پیشرفت جامعه است و مدیر، در مقام مسئول اجرای اصل فوق، انسانی آگاه به مکتب و اهداف آن، لایق و صاحب‌فکر، فارغ از هرگونه مسئولیت اجرایی ولی ناظر، حاضر، و هماهنگ‌کننده و فرمان‌دهنده به رکن‌های اجرایی سازمان است.

نویسنده با ذکر آیه شریفه ۵ سوره نساء، این گونه برداشت کرده است که در یک سازمان اسلامی مدیر از میان کارکنان و براساس ضابطه‌های تقوا و تعهد در رأس قرار می‌گیرد و وظیفه مدیر در یک سازمان اسلامی، علاوه بر نیازهای مادی و تولیدی، باید تأمین نیازهای معنوی کارکنان هم باشد. در پایان بخش دوم کتاب، به بحث درباره این موضوع پرداخته است که مدیر سازمان اسلامی فردی آزاد در زمان، مکان، اندیشه، درون، و بیرون سازمان است تا بتواند در همه صحنه‌ها حضور خلاق داشته و با تصمیمات عینی و آگاهانه خویش حرکت تکاملی سازمان را در جهت تعالی و تولید تداوم بخشد.

نویسنده در بخش سوم مدیریت تولید را مقوله علمی و مدیریت منابع انسانی را مقوله مکتبی می‌داند که هدف نهایی از آن تعالی انسان‌ها باید باشد، نه تولید. در ادامه به مقوله

برنامه‌ریزی به منزله عمده‌ترین و اساسی‌ترین مبنا در مدیریت و به‌خصوص مدیریت تولید می‌پردازد و اولین اصل از اصول برنامه‌ریزی را تعیین هدف یا اهداف می‌داند که قبل از تعیین هدف، امکانات حصول و عملیات لازم برای حصول آن باید به‌دقت بررسی و مطالعه شود. در پایان این بخش، ارتباطات، نظارت، و کنترل را تشریح کرده است که منظور اصلی از کلیه طرح‌های نظارت و کنترل را حصول اطمینان از مطابقت نتایج عملیات یا هدف‌های مطلوب و پیش‌بینی شده می‌داند.

نویسنده در بخش چهارم رهبری و ابعاد گوناگون آن را مورد بررسی قرار داده و بر مبنای آیات و روایات فضیلت‌هایی را برای رهبری از دیدگاه اسلام قائل است. این فضایل عبارت‌اند از یقین، توحید، تفکر، شجاعت، خوف از خدای متعال، رجا و امید به رحمت خداوند، کرامت نفس، غیرت و حمیت، و بالاخره آرامش و ثبات و قرار. افجه‌ای در پایان بخش چهارم از دیدگاه امام علی(ع) رهبری را توضیح داده است. در ادامه، دیدگاه‌های متفاوت رهبری، شخصیتی، و فرایندی را تشریح کرده و بعد از ذکر تفاوت رهبری و مدیریت، از خطبه ۳، ۳۳، ۷۴، ۱۳۱، ۲۰۵، کلام ۱۲۶، و درنهایت از محتوای نامه ۶۲ نهج‌البلاغه موارد مربوط به رهبری را از کلام مبارک امیرالمؤمنین استخراج کرده است. درنهایت در بخش پنجم کتاب، یعنی نتیجه‌گیری، خلاصه‌ای از کل مباحث ذکرشده را در فصول به‌صورت تیتروار آورده است.

#### ۴. مفهوم مدیریت اسلامی از دیدگاه‌های مختلف

مبنتی بر متون مختلف مدیریت اسلامی پنج نگاه کلی در این زمینه وجود دارد که عبارت‌اند از: الف. نگاه الهی و توحیدی که عالم هستی را تحت مدیریتی واحد به‌نام الله تعریف کرده است (اعظمی ۱۳۹۲: ۱۶۴). در این نوع نگاه، رفتار و منش مدیران و کارکنان در جامعه و سازمان باید بر مبنای جهان‌بینی توحیدی باشد و هم‌چنین رشد و کمال انسان‌ها در مسیر الله بایستی قرار بگیرد؛ ب. دومین نگرش رشد و تربیت بشری است. بر مبنای این نوع نگاه، باید مسئولیت را به کسانی سپرد که شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری از سرمایه‌های انسانی جامعه را داشته باشند و بتوانند از امکانات جامعه بهره‌برداری مادی و معنوی کنند. در این نوع نگاه، مأموریت اصلی سازمان تربیت انسان‌هایی است که خود صالح باشند و به اصلاح دیگران اهتمام ورزند؛ ج. سومین رویکرد به مدیریت اسلامی، نگاه مکتبی و ارزشی است که از بارزترین صاحبان این نوع

نگرش آیت‌الله مصباح یزدی است. او معنای صحیح مدیریت اسلامی را مدیریت مدیران مسلمان می‌داند که تحت‌تأثیر نظام ارزشی اسلام قرار می‌گیرد و بر روش‌های عملی آن‌ها اثر می‌گذارد (مصباح یزدی ۱۳۷۶: ۲۸۳). در واقع، طرف‌داران این نوع نگاه مدیریت را مقولهٔ مکتبی می‌دانند؛ د. چهارمین نگاه به مدیریت اسلامی نگرش فنی به این مقوله است. قائلان به این نوع رویکرد، عمدتاً به وظایف مدیر سازمان اسلامی اشاره دارند و تعریف آن‌ها از مدیریت اسلامی همان تعریف رایج از وظایف مدیریت است، البته تاجایی که با موازین شرعی مغایرتی نداشته باشد (اعظمی ۱۳۹۲: ۱۶۶)؛ ه. آخرین نگاه به مقولهٔ مدیریت اسلامی نگاه ترکیبی است که نمی‌توان دیدگاه طرف‌داران آن را به‌صراحت در یکی از رویکردهای ذکر شده گنجانند.

#### ۵. پیشینهٔ پژوهش‌های مرتبط با نقد کتب مدیریت اسلامی

نبوی (۱۳۷۹) در مقاله «نقد و بررسی کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن»، نوشتهٔ ولی‌الله نقی‌پورفر، ادعا دارد که نویسنده در تدوین کتاب از منابع اسلامی نیز آن‌چنان‌که برای تدوین کتابی با عنوان مذکور لازم است، بهره نبرده است. در بخش محتوای علمی، مطالبی دربارهٔ نحوهٔ استدلال به آیات مطرح کرده است و در بخش نگارش، در خصوص بی‌دقتی در استفاده از الفاظ و جملات، با توجه به مسائل مطرح و مخاطبان، مطالبی بیان کرده است و بالاخره در پایان برای رفع اشکالات و تدوین مجموعه‌ای مناسب پیش‌نهادهایی را ارائه کرده است.

باقری (۱۳۸۴) در مقالهٔ خود به نقد کتاب مدیریت اسلامی، نوشتهٔ محمدحسین نبوی، به‌لحاظ روشی و هم‌چنین محتوا و ساختار می‌پردازد. وی در این مقاله، با اشاره به رویکردها و نوع نگاه‌های مختلف به مدیریت اسلامی، نقاط ضعف، قوت، و نکات قابل‌توسعهٔ کتاب را بیان می‌دارد. او رویکرد حاکم بر کتاب مورد مطالعه را بیش‌تر برگرفته از نگاه تهذیبی می‌داند.

در سال ۱۳۸۷ در سمیناری علمی، کتاب مبانی مدیریت اسلامی نجاری با حضور نویسندهٔ آن مورد نقد قرار گرفت. در این نشست در ابتدا نویسنده به خاستگاه و محتوای کلی اثر پرداخت. به‌صورت جمع‌بندی می‌توان به توجه به کاربردی‌تر کردن مباحث و هم‌چنین برداشت‌ها و استنادات صحیح از آیات و روایات اشاره کرد که از دغدغه‌های مهم ناقدان این اثر بود (وبگاه انجمن علمی حوزهٔ علمیهٔ قم ۱۳۸۷).



در سال ۱۳۸۴ در نشست علمی، که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آن را برگزار کرد، کتاب *مدیریت در اسلام* نوشته علی آقاپیروز و همکارانش مورد نقد قرار گرفت. ناقدان کاربرد، معادل‌سازی اصطلاحات، و واژه‌های تخصصی در متن کتاب را تاحدی خوب ارزیابی کردند، ولی کتاب را نیازمند ویرایش مجدد دانستند، مطالب کتاب را نیز با عنوان و فهرست آن متناسب دانستند، ولی نظم و انسجام منطقی بین مطالب در هر فصل و کل اثر را برقرار ندانستند. هم‌چنین، از نگاه منتقدان از ابزار و فنون علمی نظیر تصویر، شکل، جدول، نمودار، و تمرین برای تفهیم مطالب به‌اندازه کافی استفاده نشده و در پایان هر فصل از کتاب نیز سؤالات و ایده‌های نو مطرح نشده است (وبگاه پژوهشگاه علوم انسانی ۱۳۸۶).

در سال ۱۳۸۲، در چهارمین کرسی تخصصی دفتر هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی، کتاب *مدیریت اسلامی*، نوشته دکتر افجه‌ای، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در این نشست که با حضور نویسنده کتاب برگزار شد، در ابتدا به خاستگاه اثر و شرایط حاکم بر آن اشاره شد و در ادامه مورد سؤال ناقدان قرار گرفت. به اعتقاد یکی از ناقدان این نشست، یکی از اشتباهات افجه‌ای این بوده که علم مدیریت را به جای مدیریت علمی گرفته است. هم‌چنین، ناقدان روش نویسنده را بیش‌تر امضایی دانسته‌اند تا تأسیسی. به صورت جمع‌بندی، کاربردی بیان کردن مباحث و نیاز به بازنگری مجدد، با توجه به این که محتوای آن مربوط به حدود سی سال قبل بوده است، از مهم‌ترین دغدغه‌های ناقدان کتاب بوده است (وبگاه خبرگزاری مهر ۱۳۸۲/۰۹/۱۹).

خنیفر، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، از طریق تحلیل محتوا، بیست اثر مدیریتی از جمله کتاب افجه‌ای را مورد بررسی اجمالی و توصیف محتوا قرار داده است. از دیدگاه و به تحلیل خنیفر، این کتاب در دسته‌بندی آثاری قرار گرفته که در محتوای خود به آیات و روایات استناد می‌کنند و آن‌ها را با مباحث علمی تطبیق می‌دهند (خنیفر ۱۳۸۴: ۱۷۱).

## ۶. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع تحقیقات توسعه‌ای است، چراکه نتایج آن باعث توسعه نگاه‌ها به محتوای کتب مدیریت اسلامی خواهد شد (خاکی ۱۳۸۷: ۹۵). از طرفی، با توجه به این که این تحقیق به دنبال بررسی و نقد محتوای کتاب مدیریت اسلامی مورد مطالعه، درک

دیدگاه‌ها و اندیشه‌های تولیدکننده محتوا، و هم‌چنین تجزیه و تحلیل آن‌هاست (عزتی ۱۳۷۶: ۲۳)، از نوع تحلیل محتوای آثار است که با استفاده از تکنیک فراتئوری انجام شده است و باتوجه به این‌که این روش تاحدی جدید است، در ادامه به معرفی اجمالی آن پرداخته می‌شود.

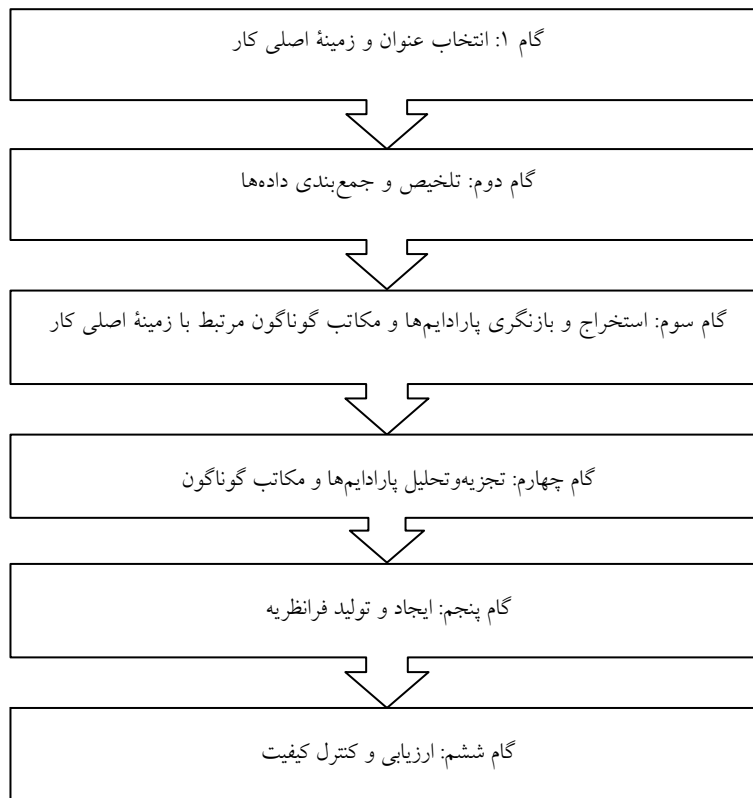
## ۱.۶ فراتئوری یا فرانظریه

نظریه یا نظریه‌ها در خلأ ساخته نمی‌شوند، بلکه نظریه‌پردازان براساس تحلیل علمی به الگوهای فلسفی «نظریه» دست می‌یابند و آن را فرانظریه می‌نامند و براساس آن نظریه‌پردازی در حوزه‌های مختلف میسر می‌شود (Miller 2005). استفاده از نظریه، به‌عنوان ابزاری برای فهم عمیق‌تر، به استفاده از اشکال مختلف تحلیلی نیاز دارد و یکی از این شیوه‌ها تحلیل محتواست (بوستانی و دیگران ۱۳۹۷: ۳۴). از این طریق می‌توان آثار نویسندگان را نقد و بستری کرد و این نقدها را برای تلفیق و گسترش نظریه‌های جدید فراهم کرد (Ritzer 2001).

نظر به این‌که فراتئوری به تجزیه و تحلیل تمایلات نظری، فرضیه‌ها، و تئوری‌های ایجادشده در مطالعه‌های اولیه می‌پردازد، یکی از قسمت‌های آن بررسی پارادایم‌ها یا مکاتب مورد استفاده در پژوهش‌ها و چهارچوب نظری آن‌هاست (Bench and Day 2010). از طرفی، هر تلاشی در حوزه اسلامی‌سازی دانش باید مبتنی بر چهارچوب فرانظری علم و مبتنی بر الزامات فلسفی و روش‌شناسانه عمیق انجام شود (قنبری باغستان ۱۳۹۲: ۱۲). در این پژوهش، از تکنیک فراتئوری یا فرانظریه استفاده شده است. در این مطالعه از روش اسنادی، کتاب‌خانه‌ای، و هم‌چنین با مراجعه و مشورت با نخبگان و صاحب‌نظران داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شده است و نگارندگان تلاش کرده‌اند تا با مطالعه و بررسی داده‌ها و آشنایی با مبانی و ریشه‌های نظری مورد استفاده در اثر مورد مطالعه با رویکرد فراتئوری آن را نقد و بررسی کنند.

## ۲.۶ گام‌های اجرایی تکنیک فراتئوری در این تحقیق

به‌طور کلی در تکنیک فراتئوری مراحل شش‌گانه‌ای برای رسیدن به پاسخ سؤالات اصلی پژوهش باید طی کرد که در شکل ۱ نمایان است. این مراحل برگرفته و بومی‌شده مدل فراتئوری مارک ادواردز (Mark Gerard Edwards) است که در ادامه شکل به تشریح هر گام و اقدامات انجام‌شده در این مطالعه پرداخته خواهد شد.



شکل ۱. مراحل فرانتوری (Edwards 2008)

گام اول: زمینه اصلی مدیریت اسلامی انتخاب شد و از میان کتب مختلف این حوزه، برای نمونه تحقیق، کتاب مدیریت اسلامی سیدعلی اکبر افجه‌ای مورد مطالعه قرار گرفت.

گام دوم: چندین مرتبه تمامی فصول کتاب به دقت مطالعه و به صورت خلاصه وار به ارائه مطالب اصلی آن پرداخته شد.

گام سوم: در این مطالعه از روش اسنادی، کتاب‌خانه‌ای، و هم‌چنین با مراجعه و مشورت با نخبگان پیش فرض‌های فرانظریه‌ای و هم‌چنین نوع نگاه‌های مختلف به مدیریت اسلامی استخراج شد.

گام چهارم: در ادامه هر یک از پارادایم‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در بخش نقد محتوایی به آن‌ها پرداخته شده است.

گام پنجم: با بررسی مکاتب و نوع نگاه‌های مختلف، به پیش‌زمینه‌ها و تمایلات تئوریکی اثر پرداخته شده است که افق تازه‌ای را برای مخاطبان روشن می‌سازد.

گام ششم: برای حفظ کیفیت تحقیق از نظر نخبگان و صاحب‌نظران تا رسیدن به اشباع نظری بهره گرفته شد که مشخصات کلی آن‌ها به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. مشخصات عمومی نخبگان

ردیف	تحصیلات	سمت	فراوانی
۱	دکتر	عضو هیئت علمی دانشگاه	۴
۲	دکتر	پژوهش‌گر	۲
۳	دانشجوی دکتری	پژوهش‌گر علوم اسلامی	۱
۴	سطح ۴ حوزه	محقق و طلبه	۱
۵	کارشناسی ارشد	صاحب‌نظر در علوم اسلامی	۲
۱۰	جمع فراوانی‌ها		

## ۷. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با مراجعه به مقالات مربوط به نقد کتب علوم انسانی، دو شکل کلی در نقد این‌گونه کتاب‌ها وجود دارد که عبارت‌اند از ۱. نقد شکلی و ساختاری، ۲. نقد محتوایی و نظری اثر.

### ۱.۷ نقد شکلی و ساختاری اثر

باتوجه به این‌که در مقالات نقد، به نقد شکلی و صوری اشاراتی می‌شود، محققان این پژوهش خارج از فرایند فراتئوری به نقد شکلی کتاب هم پرداخته‌اند.

در نقد شکلی معمولاً به کیفیت فنی و ظاهری اثر توجه می‌شود. به لحاظ طرح روی جلد، چون عنوان کتاب و نام مؤلف با دو رنگ آبی تیره و سفید نوشته شده است، بنابراین برجستگی عنوان و نویسنده برای بیننده روشن است. در طرح روی جلد، تصاویر شبستان‌های مسجدی با طرح معماری اسلامی مشاهده می‌شود که این طرح با ادعای نویسنده در کتاب، مبنی بر نگاه مکتبی به مدیریت اسلامی، هم‌خوانی دارد. از نظر حروف چینی و صفحه‌آرایی، اندازه قلم‌ها در متن اصلی یک‌سان است، اما نکته مهمی که از آن غفلت شده این‌که قلم مورد استفاده در متن جدول‌ها، نمودارها، و عناوین آن‌ها یک‌سان نیست و از قلم‌های گوناگون با اندازه‌های مختلف استفاده شده است و یک‌پارچگی و تناسب لازم را ندارد. برای مثال اگر به شکل‌ها و نمودارهای ۴-۱ صفحه ۲۳، متن داخل نمودار ۱-۲۴ صفحه ۱۶۲، شکل ۲-۲۴ صفحه ۱۶۶، و شکل ۱-۲۷ صفحه ۱۹۸ مراجعه شود، به ناهمبندی و عدم تشابه نوع قلم‌ها و اندازه آن‌ها پی خواهیم برد.

از لحاظ کیفیت چاپ و صحافی، کتاب در وضعیت بسیار خوبی قرار گرفته است، به گونه‌ای که با مطالعه مستمر طی زمان از کیفیت ظاهری کتاب کاسته نمی‌شود و دچار ازهم‌گسیختگی و جداشدن صفحات کتاب نخواهد شد. قطع کتاب هم از نوع وزیری با اندازه «۲۳ در ۱۶/۵» است که مناسب کتاب‌های دانشگاهی است. نگارش مطالب به صورت ساده و روان است و همین از مهم‌ترین نقطه قوت کتاب به لحاظ شکلی است و باتوجه به این که در بیش تر دانشگاه‌ها به عنوان منبع درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، حجم کتاب متناسب با تعداد واحدهای درس مدیریت اسلامی است که معمولاً دو واحد کارشناسی در دانشکده‌های مدیریت، حساب‌داری، و اقتصاد محسوب می‌شود.

از نظر تکنیک‌های ویرایشی و نگارشی کتاب کاستی‌هایی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. کتاب مذکور به ویرایش جدی به قلم یک ویراستار اهل فن نیاز دارد. برای مثال در مواردی تا حد زیادی جمله نیاز به ویرگول و نقطه دارد. به دلیل تعدد آن‌ها، تنها به دو مورد اشاره می‌شود. در صفحه ۸ (پاراگراف دوم) به دلیل به کار نبردن نقطه و ویرگول، فهم مخاطب از جمله دچار مشکل می‌شود:

اما وجه تمایز مدیریت اسلامی با اشکال مدیریت در جوامع کاپیتالیستی یا کمونیستی و یا هر نوع جامع دیگری که اداره امور مردم در دست عده‌ای از سردمداران حکومت- هاست (در این جا ویرگول لازم دارد) در این نیست که نظام‌های مدیریت دیگر صاحب مکتب یا در حقیقت (افجه‌ای ۱۳۸۸: ۸).

یا در پاراگراف آخر صفحه ۷۴ چنین مشکلی مشاهده می‌شود: «در حقیقت برای پیاده کردن طرح اخلاق اسلامی درون یک سازمان [در این جا ویرگول لازم دارد] برای نیروی انسانی باید به موارد زیر توجه داشت» (همان: ۷۴).

یکی دیگر از ایرادات ویرایشی اشکالاتی است که در بندهای طولانی برای خواننده پیش می‌آید و باعث می‌شود سررشته بحث از دست مخاطب خارج شود و به سردرگمی و برداشت ناصحیح مطلب منجر می‌شود. برای مثال در صفحه ۱۱۸، مؤلف هدف در «برنامه‌ریزی» را توضیح داده و کل صفحه به صورت یک بند آورده شده است و ایراد مهم دیگر آن که در اول همین صفحه «هدف» را به عنوان شماره ۱ آورده است، در صورتی که شماره‌های بعدی‌ای در کتاب وجود ندارد. دیگر این که در صفحه ۱۶۶ و ۱۶۸ کتاب، شماره‌های عناوین شکل‌ها در هر دو صفحه به اشتباه تکراری است.

منابع مورد استفاده در کتاب از لحاظ کیفیت و اعتبار مطلوب‌اند و از منابع غنی و معتبر اسلامی استفاده شده است، اما با توجه به قدیمی بودن آن‌ها، به استفاده کردن از منابع روزآمد و جدید برای ارتقای کتاب مدنظر نیاز است. به‌رغم استفاده از منابع معتبر، در منبع‌نویسی و ارجاعات کتاب حاضر دو ایراد اساسی وجود دارد: اولاً بهتر است واژه‌های تخصصی و ارجاعات مربوط به آیات قرآن کریم به صورت پانویس در همان صفحه آورده شود. دومین ایراد هم به شکل منبع‌نویسی مربوط است و یک پارچگی لازم در شکل ارجاعات رعایت نشده است. برای مثال، در منابع بخش اول صفحه ۳۴ و ۳۵، بندهای ۱، ۲، ۳، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ سال انتشار منابع ذکر نشده است. این ایراد اساسی در قسمت منابع همه بخش‌ها وجود دارد و در ذیل برای نمونه آورده شده است. این مثال‌ها نشان می‌دهد که در شکل ارجاعات نویسنده از یک شیوه استاندارد و مشخص پیروی نکرده است:

«۳- اقتصاد ما، تألیف آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، جلد دوم، صفحه ۲۵، انتشارات اسلامی» (افجه‌ای ۱۳۸۸: ۳۴).

«۷- هوشنگ کوکلان "رفتار سازمانی"، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، صفحه‌های ۴۸-۵۲» (همان: ۲۰۷).

از بُعد ساختاری با توجه به این که فصول کتاب بر مبنای سلسله مقالاتی از نویسنده است، اشکالاتی مانند تکراری بودن مباحث در برخی فصول مشهود است. برای مثال، مقوله مکتبی مدیریت به صورت تکراری در فصل اول و سوم آمده، تا آن‌جا که برخی از مطالب این موضوعات کاملاً هم‌پوشانی دارند یا مثلاً بحث تفاوت رهبری و مدیریت، هم در فصل بیست و چهارم و هم در فصل بیست و هفتم مجدد بیان شده است.

یکی دیگر از کاستی‌های مهم این کتاب از بُعد ساختاری این است که خواننده در مطالب بخش سوم (فصول شانزدهم تا بیست و سوم) تقریباً هیچ ارتباطی بین مباحث مطرح شده با مدیریت اسلامی نمی‌تواند برقرار کند. نویسنده در این هشت فصل به بیان مبانی مدیریت تولید و وظایف خاص مدیران مانند برنامه‌ریزی، تعیین خط‌مشی، تهیه شرح عملیات، سازمان‌دهی، هماهنگی، و کنترل پرداخته است و تقریباً هیچ طرح بحثی راجع به مبانی مدیریت اسلامی در این فصول نشده است. در صورتی که انتظار می‌رفت نویسنده در این بخش، مباحثی مانند تکلیف‌محوری، مدیریت جهادی، مدل‌های کنترل اسلامی، و ... را طرح موضوع می‌کرد.

## ۲.۷ نقد محتوایی اثر

### ۱.۲.۷ به لحاظ ماهیت و نوع نگاه

طبق توضیحات گفته شده در بخش ادبیات نظری و روش‌شناسی تحقیق، می‌توان نگاه استاد افجه‌ای را در کتاب حاضر ترکیبی از نگاه دوم و نگاه سوم دانست؛ نگاه دوم که نگرش رشد و تربیت بشری و مبنای وی برداشت از تفسیر آیه پنجم سوره مبارکه نساء است (به آن در فصل نهم و ضمیمه دوم کتاب اشاره شده است) و نگاه سوم یعنی رویکرد مکتبی به مدیریت اسلامی، آن‌جا که در فصل اول و سوم مدیریت اسلامی را یک مقوله مکتبی می‌داند و وظیفه مکتب را ارائه راه‌حل‌هایی می‌داند که با مفهوم عدالت‌خواهی سازگار باشد.

### ۲.۲.۷ به لحاظ مبانی فرانتوریکی

در این مطالعه بر مبنای مدل فرانتوری که در بخش روش‌شناسی تحقیق گام‌های آن تشریح شد، بعد از طی مراحل انتخاب موضوع و تلخیص داده‌ها (گام ۱ و ۲)، با مطالعات کتاب‌خانه‌ای و مراجعه به خبرگان، پارادایم‌ها، مکاتب، و مبانی فلسفی مرتبط با موضوع شناسایی شد و در مرحله بعدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و تلاش شد تا شواهدی از مبانی تئوریک موجود در متن شناسایی شوند و مورد تحلیل قرار گیرند (گام ۳ و ۴) که در ادامه به این دو مرحله می‌پردازیم.

به‌طور کلی پیش‌فرض‌های فرانظری شامل پیش‌فرض‌های فراطبیعی، روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، منطقی، جهان‌شناختی، و انسان‌شناسی است که برای مطالعه دنیای پیرامون به کار گرفته می‌شود (فیاض و بدره ۱۳۸۹: ۸۴). در نقد این کتاب، به بیان پیش‌فرض‌های فرانظریه‌ای هستی‌شناختی، انسان‌شناسی، و روش‌شناختی اکتفا می‌کنیم که به‌نظر می‌رسد عمده توجه مؤلف به این سه حوزه است.

#### ۱. بعد هستی‌شناختی:

در هستی‌شناسی ماهیت و ویژگی‌ها، چرایی، و غایت جهان هستی در آن طرح و بحث می‌شود و مسئولیت و تعهد انسان‌ها در قبال جهان هستی نیز معنا پیدا می‌کند (عظیمی شوشتری و میرچراغ ۱۳۹۶: ۳۶). نوع نگاه ما به هستی‌شناسی و شناخت ما از آن به‌طور غیرمستقیم بر مبانی مدیریت اسلامی اثرگذار است (آقایروز ۱۳۹۵: ۱۵۸)، اما با مطالعه دقیق آثار می‌توان به نوع نگاه نویسندگان در این حوزه دست پیدا کرد. برای مثال، هستی‌شناسی اسلامی بر این باور است که جهان پیرامونی حاصل اراده الهی و تحت تدبیر

او اداره می‌شود، سپس برای جریان اراده خود بر زمین و همین‌طور نشان‌دادن راه سعادت، کمال، و اخبار از غیب از طریق وحی پیامبرانی را مبعوث کرد و این پیامبران، علاوه بر آدای و وظیفه رسالت و هدایت، در بسیاری موارد جامعه تحت هدایت خود را مدیریت می‌کردند (جوآنپور هروی ۱۳۸۷: ۴۱).

بنابراین، از این دیدگاه نتیجه‌گیری می‌شود که مدیریت در شأن جامعه اسلامی باید از صفات رهبری دینی هم برخوردار باشد. در این باره می‌توان به مطالب نویسنده در فصل چهارم اشاره کرد که با ذکر صفات رهبری برای مدیر نتیجه‌گیری کرده است که مدیر به‌منظور رساندن انسان‌های موجود در سازمان به «تعالی»، روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه، و همچنین ضرورتی که مدیریت در زمینه‌سازی و وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت، بایستی از بالاترین میزان صفات رهبری یعنی صفات «متقین» و «مؤمنین» در جمع سازمان تحت نظارت و مدیریت خود برخوردار باشد تا راه‌گشای ایجاد جامعه اسلامی شود.

## ۲. بعد انسان‌شناسی:

بعد انسان‌شناسی ارتباط تنگاتنگی با حوزه قبلی دارد و بیش‌ترین مباحث مبانی فلسفی مدیریت اسلامی را به‌خود اختصاص داده است، چراکه در مدیریت، انسان و «کار با انسان‌ها» به‌عنوان محور اصلی قرار گرفته است. در منابع اسلامی، به‌ویژه با استناد به آموزه‌های قرآن کریم، مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی اسلامی عبارت‌اند از مرکب‌بودن انسان از جسم و روح، اختیار، تربیت‌پذیری، معرفت‌گرا بودن، جاودانگی، کرامت، و فطرت (کریمی بنادکوکي ۱۳۹۶: ۲۳۸).

در اصل مرکب‌بودن انسان، نظریه دوساحتی مطرح می‌شود که انسان را ترکیبی از جسم و روح می‌داند (فلاح‌پیشه و نوروزی ۱۳۹۶: ۶۷). با توجه به این اصل، مدیر در جامعه اسلامی تنها وظیفه رسیدگی به جنبه مادی کارکنان را نمی‌تواند برعهده داشته باشد، بلکه بسط‌سازی برای تقویت روح متعالی انسان‌ها نیز وظیفه مهم‌تر اوست. همان‌گونه که نویسنده کتاب مورد مطالعه، در صفحه ۲۷ و ۲۸ کتاب، به تفکیک روح انسان از جسم او پرداخته است و وظیفه مدیر اسلامی را، علاوه بر تأمین نیازهای مادی، تأمین نیازهای معنوی و کمک به طی مسیر انسان به سوی الله می‌داند و ادعا دارد که تنها با درک مفاهیم مکتبی این امر قابل دست‌رسی است.

درقبال بحث فطرت، مدیریت در سازمان اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد که انسان در آن برای شکوفایی فطرت و استعدادهای درونی‌اش توانمند شود. همان‌طور که افجه‌ای در



صفحه ۵۱ کتاب، مدیریت از نگاه اسلامی را فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و به‌کارگرفتن درست و مشروع نیروهای انسانی و مادی سازمان به‌منظور پیشرفت جامعه می‌داند. در بُعد تربیت‌پذیری انسان‌ها نیز در صفحه ۸۸ کتاب به لزوم دمیدن روح معنویت در درون سازمان و تأثیرپذیری تربیتی کارکنان در این بستر معنوی، نویسنده ادعان داشته است که توجه‌دادن انسان‌ها به نظارت الهی از اعمال و رفتار آنان به جلوگیری از هدررفتن نیروهای انسانی و عدم جهت‌دهی به انگیزه‌های غیرالهی کمک بسیار شایانی خواهد کرد.

۳. بعد روش‌شناختی:

به نظر می‌رسد اختلاف‌نظر در بعد روش‌شناختی بیش‌تر است. برای رسیدن به این منظور که برای تولید مبانی مدیریت اسلامی آیا مبدأ نظریات از منابع اسلامی استخراج می‌شود یا از منابع مدیریت غربی و این‌که نگاه‌های متفاوت به چگونگی و میزان پذیرش و اولویت استفاده از هرکدام از این منابع رویکردهای متفاوتی را ایجاد کرده است (حجازی فر ۱۳۹۶: ۶۵)، در چهار دسته کلی این بُعد بررسی می‌شود:

الف. رویکرد تأییدی یا امضایی

پیش‌فرض ناخودآگاه در چنین رویکردی این است که علم تجربی جدید، دانشی موجه و مقبول است و در صورتی که بتوان نشان داد، در دین نیز سخنانی چنان آمده است، دینی موجه و معقول خواهیم داشت. برای نمونه، نبوی با تاسی به این نوع نگاه در تعریف برنامه‌ریزی می‌نویسد برنامه‌ریزی متضمن تعیین هدف‌ها، مقاصد سازمان، تهیه نقشه، و برنامه کار است. برنامه‌ها نشان می‌دهند که چگونه باید هدف‌ها محقق شوند. از نظر آیات قرآن و روایات هم برنامه‌ریزی اهمیت بسیاری دارد (نبوی ۱۳۷۶: ۳۹).

ب. رویکرد تهذیبی

پیش‌فرض تئوریک این رویکرد این است که از آن‌جاکه علم مدیریت رایج برپایه مبانی الهی و اسلامی شکل نگرفته است، برخی انحرافات و ناخالصی‌هایی دارد. حال اگر این انحرافات و ناخالصی‌ها توسط فیلتر دین‌شناسایی و حذف شود، آنچه باقی خواهد ماند، همان مدیریت اسلامی است (حجازی فر ۱۳۹۶: ۶۶). ایراد مهم رویکرد این است که ممکن است مدیریت اسلامی هم مثل سایر علوم به درد التقاط دچار شود و اصولاً هویت اسلامی بودن آن را از دست دهد، چراکه در این رویکرد مبنا و پایه اصلی همان تئوری‌ها و نظریه‌های غربی با همان مبانی فلسفی غربی است.

### ج. رویکرد استنباطی

ادعای این رویکرد این است که با نگاه صرفاً تحلیلی، استنباطی، تفسیری، و بدون نگاه تجربی می‌توان به مدیریت اسلامی دست یافت (مقیم‌ی ۱۳۹۶: ۹۶). در نقد این رویکرد می‌توان گفت که برای تولید علم بومی و اسلامی، نمی‌توان تجربیات و عقل بشری را به‌طور کلی کنار گذاشت، چراکه گاهی انسان‌ها باید از یافته‌ها و تجربیات دشمنان خود هم بهره‌برداری کنند. همان‌گونه که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) می‌فرماید: «باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فراگرفت، اما علم در روند تعالی خود با روح‌های قوی و استوار و کارآمدی که جرئت پیش‌برد علم را داشته باشند، هم‌راه شود تا بتواند پیش‌برود» (آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۸۸/۲/۲۷).

### د. رویکرد تأسیسی

در این رویکرد منظور این است که علم دینی باید در پرتو قدرت الهام‌بخشی پیش‌فرض‌های خاص خود از سویی و گیرودار تلاش تجربی از سوی دیگر تکوین یابد (حجازی‌فر ۱۳۹۶: ۶۹). به عبارت ساده، بر مبنای این رویکرد برای تولید علم بومی و اسلامی در ابتدا با مبنای قراردادن آموزه‌های روایی و قرآنی، ضمن توجه به الگوهای رایج باید فرضیه‌ها و مدل‌هایی را استخراج کرد و در گام بعدی این مدل‌ها را در بوتۀ آزمایش و تجربه قرار داد، در صورتی که این آزمایش‌ها موفقیت‌آمیز بود، آن‌ها را تبدیل به نظریه و تئوری کرد. در این نوع رویکرد باید به مبانی فلسفی اسلامی که شامل معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، و هستی‌شناسی است توجه ویژه‌ای کرد.

به‌طور کلی، با بررسی اجمالی آثار بسیاری از نویسندگان در حوزه مدیریت اسلامی، از جمله اثر مورد مطالعه می‌توان به دو نتیجه مهم رسید، اول آن‌که کم‌ترین اثری را می‌توان یافت که به شکل گروهی و ترکیبی از نویسندگان حوزه و دانشگاه تألیف یا تدوین شده باشد و ثانیاً از همه مهم‌تر این است که عمده آثار با نگاه تهذیبی و تأییدی به موضوع مدیریت اسلامی آن‌هم محدود به وظایف مدیران پرداخته‌اند که این کتاب هم به‌نوعی به این نگاه و پارادایم فکری گرایش دارد که عمدتاً در بخش سوم کتاب مشهود است.

یکی از ایراداتی که به رویکرد تهذیبی وارد است و این کتاب به آن دچار شده، برداشت اضافه و احتمالاً اشتباه از آیات و روایات است (باقری ۱۳۸۴: ۱۷۳). برای مثال در صفحه ۶۶ کتاب، از این سخن گوهر بار امیرالمؤمنین (ع) به مالک که فرمود: «ای مالک آن‌چنان کارها را به روزها تقسیم کن که روزانه مطابق برنامه انجام وظیفه شود و امور بر اثر عدم انضباط و ترتیب مختل و آشفته نماند»، نویسنده چنین برداشت کرده است که مدیر سازمان

اسلامی باید دو گونه برنامه در انجام کارهای روزانه خود داشته باشد که یکی «برنامه زمانی» و دیگری «برنامه تولیدی» است، در صورتی که برنامه تولیدی، که مبتنی بر برآورد و شناخت امکانات مادی و فیزیکی است، از این روایت در ذهن مخاطب متبادر نمی‌شود و صرفاً به برنامه زمانی در این روایت اشاره شده است.

هم‌چنین، بسیاری از مؤلفان از جمله نویسنده این اثر، در حوزه وظایف مدیریت، نظریه‌ای با مبنای اسلامی ارائه نکرده‌اند و مبنای آن‌ها همان نظریات غربی است و حرف نوینی زده نشده، مثلاً در حوزه ساختار و سازمان اسلامی و مقوله‌های مرتبط با آن، یعنی فرهنگ سازمانی، هویت سازمانی، رفتار سازمانی، ساختار، شکل سازمان‌دهی، استراتژی‌های سازمان، و ...، نظریه‌ای داده نشده است که مبتنی بر مبنای آموزه‌های دینی ما باشد. اگر هم در این زمینه نظری داده شده، به ساختار حکومت اسلامی محدود است و درباره سازمان به معنای یک اداره تولیدی و خدماتی چندان صحبتی به میان نیامده است که این موضوع در فصل هشتم و نهم کتاب مشهود است و مباحث آن بیش‌تر رویکرد انتزاعی و کلی‌گویی دارد. در ضمن هر چند که مطالب این کتاب بیش‌تر گرایش به مکاتب تهذیبی و تأییدی دارد، اما در قسمت‌هایی از مطالب فصل ششم و هفتم رویکرد تأسیسی به‌خود گرفته است و مطالب ارزش‌مندی در این زمینه بیان شده است؛ آن‌جا که نویسنده در نوع نگاه به انسان مبنای انسان‌شناسی قرآنی را بیان کرده و در مدیریت اسلامی، هدف از تأسیس سازمان را رشد و تعالی شاغل در سازمان دانسته است که مدیران مجاز نیستند مستقیم و غیرمستقیم انسان‌ها را در خدمت ابزار یا به‌عبارت بهتر هدف تولید قرار دهند و برای افزایش تولید به کاهش تعالی انسان‌های مشغول در سازمان تن در دهند و از نظر اسلام، انسان وجودی مقدس است که تمام ابزار و وسایل تکنیکی و پدیده‌های طبیعی در کرات در خدمت او قرار داده شده تا بتواند لقب اشرف مخلوقات را معنایی حقیقی بخشد (افجه‌ای ۱۳۸۸).

باتوجه به این‌که نظریه‌ها معمولاً در پی پاسخ به حل یک مشکل یا مسئله‌ای هستند، اگر مبنا همان تئوری‌های غربی قرار گیرد و صرفاً به دنبال مصداق‌سازی اسلامی برویم و نتیجه را به‌عنوان مدیریت اسلامی عرضه کنیم، دچار اشتباه و اختلاط خواهیم شد، همان‌گونه که در نقد رویکرد امضایی و تأییدی اثر در فصل چهاردهم موضوع کنترل را مورد بررسی قرار می‌دهد و در آن، ضمن توجه به ارتباط مفاهیم، تئوری‌های مدیریت را مبنای مراجعه به متون اسلامی قرار داده است. همان‌طور که در این فصل روش‌های کنترل را در ابتدا همان روش‌های نظریه‌های جاری و موجود ذکر کرده و فقط با ارائه مصداق‌های اسلامی دیدگاهی را از کنترل اسلامی بیان و معادل‌سازی کرده است.

### ۳.۲.۷ تولید فرانظریه

طبق گام پنجم مدل ارائه‌شده، نوبت به تولید فرانظریه می‌رسد. نگاه فرانظریه‌ای افق تازه‌ای را به مخاطب می‌دهد و با کمک مبانی فلسفی و تئوریک‌ی موضوعات را تحلیل و بررسی می‌کند. حال پس از بررسی محورهای اصلی چهارچوب فراتئوری در این تحقیق، می‌توان گفت که اولاً اسلامی‌سازی علوم انسانی علم و دانش معاصر را، که صرفاً مبتنی بر قدرت و ثروت مادی است، ریشه اصلی مشکلات جامعه می‌داند، اما برخلاف تصور رایج به معنای ایجاد محدودیت برای علم یا تعطیلی علوم انسانی غربی نیست، بلکه درمقابل وصل آن به یک منبع شناخت و معرفتی جدید (دین و کلام الهی) است که تاکنون حداقل در نوع غربی آن کم‌تر مورد استفاده قرار گرفته است. دوم این‌که هدف از اسلامی‌سازی علوم انسانی در واقع حرکتی نظام‌مند و به تدریج از نظامات و مدیریت غربی به مدل مطلوب اسلامی، با تأکید بر دین به عنوان منبع اصلی شناخت، درمورد همه حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی از جمله علم مدیریت است و فقط در سایه چنین تغییر و تحول پارادایمی است که می‌توان به علوم انسانی اسلامی دست یافت و به عبارتی برای رسیدن به الگوی مطلوب مدیریت اسلامی، باید از اسلام به مدیریت رسید، نه از مدیریت به اسلام. همان‌طور که پیش‌ازاین اشاره شد، برای نقد آثار با روش فراتئوری و تکنیک تحلیل محتوای آن‌ها ضروری است تا به پشتوانه‌های مکتبی و نظری مطالب ذکرشده مراجعه کنیم. بنابراین، با مطالعه ادبیات مرتبط و استفاده از نظر خبرگان صاحب‌نظر می‌توان ادعا کرد که در ابعاد هستی‌شناسی و انسان‌شناسی میان نگاه اندیشمندان مختلف مدیریت اسلامی اختلاف چندانی در آثار آن‌ها مشاهده نمی‌شود و بیش‌تر تفاوت‌ها در حوزه روش‌شناختی است. هرچند که این سه حوزه ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و نویسندگان مختلف این عرصه مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی را ادعا کرده‌اند، چون در روش‌شناختی رویکردهایی متفاوت دارند، درعمل ممکن است به تفاوت دیدگاه برسند و ناخواسته از تئوری‌های غربی که مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خاص خود را دارند حمایت کنند.

### ۸. بحث، نتیجه‌گیری، و پیشنهادهای

طبق توضیحات بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت که تلاش‌های نویسنده، در ارائه و طرح مباحث مربوط به مدیریت اسلامی به لحاظ روش‌شناختی، در این کتاب بیش‌تر رویکرد تهذیبی و امضایی دارد که این نقد بر محتوای بیش‌تر کتب مدیریت اسلامی وارد است و

باقری این موضوع را در نقد کتاب مدیریت اسلامی نوشته نبوی و هم‌چنین یکی از ناقدان در نشست علمی نقد کتاب افجه‌ای، که در پیشینه اشاره شد، اذعان کردند. البته در بخش‌های کوتاه و ارزش‌مندی که گرایش به مکتب‌تأسیسی دارد، نبود یک مدل مفهومی و کاربردی موجب شده است تا بسیاری از مباحث دیگر مانند رفتار اسلامی با انسان‌ها در سطوح مختلف نیازها، کرامت و عزت انسانی، ارتباطات با الگوی اسلامی، و ... نادیده گرفته شود و مطالب طرح‌شده کلیت مباحث موردنظر را پوشش ندهد. این موضوع نیز از مسائل مهم مورد اشاره در نقد این‌گونه آثار بوده است که در جمع‌بندی نقد کتاب مبانی مدیریت اسلامی نجاری و هم‌چنین جلسه نقد کتاب افجه‌ای، صاحب‌نظران به آن اشاره کردند.

در مجموع به نظر می‌رسد در این حوزه، بیش‌تر به یک رویکرد استنباطی از نوع معتدل و تلفیق آن با رویکرد تأسیسی نیاز است، اما نه با نگاه این‌که همه‌چیز را از صفر شروع کنیم! باید با اصلاحات اساسی شروع کرد و گام‌به‌گام به سمت روش‌سازی و نهادسازی مطلوب اسلامی رفت. البته در این‌جا مطلب مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که در تلفیق این دو حوزه روش‌شناختی (استنباطی معتدل و تأسیسی) باید به تجربیات و عقول بشری هم رجوع کرد و نمی‌توان از آن‌ها عبور کرد، چراکه در روش‌شناسی و نهادسازی اسلامی نه تنها با روش‌های پژوهش تجربی، عقلی یا انتقادی، به شرطی که در محدوده وسیع و ظرفیت‌شناختی انسان باشد، مخالفتی نمی‌شود، بلکه برعکس در قرآن کریم و گفتار بزرگ دین، همواره بر استفاده از همه آن‌ها برای افزایش سطح شناخت و معرفت انسانی تأکید شده است.

یکی از مواردی که در تولید محتوای کتب مدیریت اسلامی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، استفاده صحیح و به‌جا از آیات و روایات است که در این کتاب نیز، همان‌طور که در بخش یافته‌ها اشاره شد، برداشت‌هایی ناصحیح و ناقص از آیات و روایات در این‌گونه آثار یافت می‌شود و تاکنون این نکته از ایرادات مهم ناقدان کتب مدیریت اسلامی بوده است، به‌طوری‌که نبوی در نتایج نقد و بررسی کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن و آقاپیروز و همکارانش در نشست علمی نقد کتاب نجاری و کتاب مدیریت در اسلام بر این نکته صحنه گذاشته‌اند.

با همه ملاحظات بیان‌شده به نظر می‌رسد که رعایت نکات ذیل به ارزش اثر فزونی خواهد بخشید:

۱. از آن‌جاکه متن کتاب قدیمی است، ویرایش کتاب، چه به لحاظ فنی و چه به لحاظ ادبی، از ضروریات است و باید مورد توجه قرار گیرد؛

۲. در ابتدای هر فصل بهتر است که انتظارات از مخاطب به صورت تیتروار و مختصر بیان شود؛
  ۳. منابع و ارجاعات کتاب به صورت یک پارچه آورده شود؛
  ۴. تمایز تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی در بحث برنامه‌ریزی، نظارت، و کنترل از نکات قابل توسعه و مهم کتاب است و انتظار می‌رود به آن‌ها پرداخته شود؛
  ۵. پرداختن بیش‌تر به رویکرد تأسیسی (با نگاه تعدیل‌یافته) و تلفیق آن با رویکردهای استنباطی معتدل از پیش‌نهادهای مهم برای این اثر است؛
  ۶. نکته مهمی که به نظر می‌رسد در بحث برنامه‌ریزی (فصل هفدهم) و هم‌چنین موضوع نظارت و کنترل (فصل بیست‌وسوم) مغفول واقع شده است، موضوع تکلیف‌محوری، که مبنایی دینی دارد، در فرایند برنامه‌ریزی است. آن‌جا که نویسنده در فصل هفدهم کتاب در فرایند برنامه‌ریزی، موضوع رسیدن به هدف، یعنی نتیجه موردنظر از عمل را بیان می‌کند، شایسته بود که موضوع تکلیف‌محوری و درواقع عمل به تکلیف در فرایند عملیات را مدنظر قرار می‌داد، چراکه کارکنان با اعتقاد و باور به این که خدماتی که می‌رسانند به دلیل ادای تکلیف است و خداوند درمقام ناظر بر آن‌ها نظارت دارد، به فعالیت‌های سازمانی می‌پردازند و انجام وظیفه می‌کنند. با درنظرگرفتن همین مبنای اسلامی (اصل تکلیف محوری)، اصل نظارت و کنترل هم باید به کلی تغییر پیدا کند و دراصل باید میزان عمل به تکلیف با استفاده از میزان وسع و توان هر فرد ملاک ارزیابی کارکنان قرار گیرد.
- در پایان بر این نکته تأکید ورزیده می‌شود، نظر به این که اثر موردنظر تقریباً از کتاب‌های پیش‌گام در عرصه مدیریت اسلامی در کشور است، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی باعث شد که ده‌ها کنفرانس و گردهم‌آیی به موضوع مدیریت اسلامی پردازند و آثار زیاد و متنوعی به چاپ برسد و از همه مهم‌تر درس مدیریت اسلامی در برنامه‌های درسی اغلب رشته‌های مدیریت در دانشگاه‌ها و حتی حوزه‌های علمیه گنجانده شود. بنابراین، با وجود نقدهای وارد بر این کتاب، نمی‌توان از نکات مثبت و برجستگی‌های آن چشم‌پوشی کرد و مطالعه آن به همه علاقه‌مندان توصیه می‌شود. امیدواریم بتوانیم در آینده با نقد و بررسی این‌گونه آثار به پیشرفت علمی جامعه اسلامی مان بیش‌تر یاری برسانیم.

## کتاب‌نامه

- نهج‌البلاغه (۱۳۸۶)، ترجمه محمد دشتی، تهران: ایدون.
- آقاپیروز، علی (۱۳۹۶)، «فلسفه مدیریت اسلامی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی قبسات، ش ۸۳.

کاربست رویکرد فرانتوری در نقد و بررسی کتب مدیریت اسلامی ... (صادق حسینی مقدم و دیگران) ۹۱

- اعظمی، امیر (۱۳۹۲)، «جستاری در تعریف‌ها و برداشت‌های صاحب‌نظران از مفهوم مدیریت اسلامی»، دوفصل‌نامه علمی - تخصصی اسلام و مدیریت، س ۲، ش ۴.
- افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۸)، مدیریت اسلامی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی.
- باقری، ناصر (۱۳۸۴)، «نقد کتاب مدیریت اسلامی تألیف حجة الاسلام محمدحسین نبوی»، مجله مصباح دانشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۶۰.
- بوستانی، مهدی، کمال پولادی، و مجید توسلی رکن‌آبادی (۱۳۹۷)، «فرانظریه به‌عنوان ابزاری برای فهم»، جستارهای سیاسی معاصر، س ۹، ش ۴.
- تقوی دامغانی، سیدرضا (۱۳۷۸)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوانپور هروی، عزیز (۱۳۸۷)، «فلسفه مدیریت اسلامی»، نشریه فراسوی مدیریت، س ۲، ش ۷.
- حجازی‌فر، سعید (۱۳۹۶)، «رویکردها و منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، س ۲۵، ش ۱.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷)، روش تحقیق در مدیریت، تهران: بازتاب.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۴)، «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، فرهنگ مدیریت، س ۳، ش ۱۰.
- دانایی‌فرد، حسن، سیدمهدی الوانی، و عادل آذر (۱۳۹۰)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.
- عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی آثار مدیریت اسلامی در ایران در دهه دوم انقلاب اسلامی: دوره تثبیت آثار (۱۳۶۸-۱۳۷۷)»، فصل‌نامه مطالعات مدیریت دولتی ایران، س ۲، ش ۴.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی، و حسین میرچراغی (۱۳۹۶)، «اسلام و مبانی هستی‌شناسی علوم انسانی»، در: مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلامی، شیراز.
- فلاح‌پیشه، حشمت‌الله و مجتبی نوروزی (۱۳۹۶)، «مبانی انسانی پیشرفت سیاسی از دیدگاه اسلام»، فصل‌نامه پژوهشی راهبردهای سیاست، س ۶، ش ۲۳.
- فیاض، ابراهیم و محسن بدره (۱۳۸۹)، «کاوشی در فرانظریه‌های علوم اجتماعی و انسانی، ملزومات رفتن به سوی فرانظریه‌ورزی اسلامی»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، س ۱۸، ش ۱.
- قنبری باغستان، عباس (۱۳۹۲)، «به‌سوی تدوین یک چهارچوب فرانظری برای اسلامی‌سازی علوم انسانی»، فصل‌نامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، س ۳، ش ۱.
- کریمی بنادکوک، محمود (۱۳۹۶)، «مبانی انسان‌شناختی علوم انسانی اسلامی در قرآن کریم»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، س ۱۰، ش ۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۶)، *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*، تهران: راه دانش.
- مهدوی‌راد، محمدعلی و حسن صادقی (۱۳۹۳)، «تحلیل تعامل علم و عمل در مدیریت اسلامی از دیدگاه قرآن و حدیث»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مدیریت اسلامی*، س ۲۲، ش ۱.
- میرباقری، سیدمهدی (۱۳۸۹)، *سخن‌رانی پیرامون مدیریت اسلامی*، پایگاه اطلاع‌رسانی استاد میرباقری.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۷۶)، *مدیریت اسلامی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمی قم.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۷۹)، «نقد و بررسی کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*»، فصل‌نامه *علوم انسانی*، ش ۲.
- نجاری، رضا (۱۳۸۷)، *سخن‌رانی در: اولین دوره آموزشی - پژوهشی مدیریت اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- وبگاه انجمن علمی حوزه علمی قم (۱۳۸۷): <<http://www.soim.ir/node/119>>.
- وبگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۸۶): <<http://www.shmoton.ir>>.
- وبگاه خبرگزاری مهر (۱۳۸۲/۹/۱۹): <<https://www.mehrnews.com/news/43414>>.

- Bench, S. and T. Day (2010), "The User Experience of Critical Care Discharges: A Meta-Synthesis of Qualitative Research", *International Journal of Nursing Studies*, vol. 47, no. 4.
- Edwards, Mark Gerard (2008), *An Integral Metatheory for Organizational Transformation*, Australia: University of Western.
- Miller, K. (2005). *Communication Theories: Perspective, Processes, and Contexts*, New York: The McGraw-Hill Companies.
- Ritzer, G. (2001), *Explorations in Social Theory, from Metatheorizing to Rationalization*, Sage Publication.